

مقاله پژوهشی

دیپلماسی اقتصادی و مناسبات استراتژیک توسعه ای؛ نمونه هند یاسر کهرازه^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۰۳

چکیده: افزایش نقش اقتصاد در سیاست خارجی یکی از عوامل مهم پیشینه سازی قدرت کشورهای مطرح در نظام بین الملل است. هر کشوری بر اساس منابع سیاست خارجی خود، اصول دیپلماسی اقتصادی را در روابط خود با کشورهای دیگر ترسیم میکند. در این بین دولت های توسعه گرایی که مبانی برنامه ریزی داخلی و خارجی آنها بر اساس اصل توانمند سازی و ثروت اندوزی داخلی و پیشینه سازی قدرت و نفوذ خارجی باشد، بیشتر از همه به دیپلماسی اقتصادی اهمیت میدهند و آن را مبنای تصمیم گیری خارجی خود قرار می دهند. از جمله این کشورها هند است که همراه با کاپیتالیزه شدن منابع سیاست خارجی اش، دیپلماسی اقتصادی گسترده ای را در نقاط مختلف دنیا پیاده کرده است. پژوهش حاضر نیز بر اساس یک چارچوب تحلیلی به تبیین دیپلماسی اقتصادی هند در دو منطقه مهم آسیای جنوبی از طریق سازمان سارک و آفریقا می پردازد. بر همین اساس ابتدا به مفهوم شناسی دیپلماسی اقتصادی و توضیح آن می پردازیم و سپس ضمن تشریح تاریخی مبانی سیاست خارجی هند، به دیپلماسی اقتصادی این کشور در مناسباتش با سازمان سارک و آفریقا می پردازیم. فرضیه اساسی پژوهش حاضر این است که اصولاً جهش هند به سمت دیپلماسی اقتصادی، علاوه بر دلایل اقتصادی، راهبردی ژئواستراتژیک و مبتنی بر خیزش دوباره ناسیونالیسم هندی در برابر رقیب های منطقه ای است.

واژگان اصلی: هند، دیپلماسی، اقتصادی، سیاست خارجی.

^۱ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.

مقدمه

از آن هنگام که سیاستمداران هندی کمر به اجرای برنامه‌های توسعه همه جانبه از اوایل دهه ۱۹۹۰ بستند، تاکنون راهی طولانی را در زمانی کوتاه پیموده‌اند. تا پیش از آن رویکرد اساسی دولت هند نسبت به پیش بردن برنامه‌های توسعه در این کشور بر پایه اعمال سیاست‌های متمرکز حمایتی مبتنی بر اقتصاد سوسیالیستی برای حمایت از مردم کم درآمد جامعه و گسترش عدالت اقتصادی در بخش‌های مختلف بود. این امر موجب شکل‌گیری اقتصاد دولتی بزرگی شد که نه تنها درها را به روی سرمایه‌گذاری خارجی بسته بود، بلکه انگیزه فعالیت اقتصادی گسترده را از سرمایه‌گذاران داخلی نیز گرفته بود. پس از آغاز اجرای سیاستهای اصلاحات اقتصادی مبتنی بر بازار آزاد و خصوصی‌سازی که از ۱۹۹۱ و به طور رسمی در دولت ناراسیموها راثو^۱ در پیش گرفته شد، هند همواره در شمار کشورهایی بوده است که رشد اقتصادی سریعی داشته است و هم اکنون پس از دو دهه اجرای این سیاستها در آستانه پیوستن به جرگه کشورهای تازه صنعتی شده^۲ است. بر این اساس در دو دهه گذشته میانگین رشد اقتصادی هند ۵٫۸ درصد بوده است و در سال ۲۰۱۰ با وجود بحران مالی بین‌المللی، رشد ناخالص اقتصادی در این کشور به ۸٫۳ درصد رسید. از این منظر، هند در جایگاه یازدهمین قدرت اقتصادی جهان قرار دارد. (Ganguly, 2012:5-6) «مان موهان سینگ» اقتصاد دان هندی که با سمت وزیر دارایی در دهه ۹۰، اصلاحات اقتصادی را در این کشور کلید زد و پس از موفقیتی چشمگیر به مقام نخست‌وزیر ارتقا یافت، می‌گوید: آن زمان که در آستانه سقوط بودیم به «راجیو گاندی» گفتم که یک شانس برای تغییر اوضاع داریم؛ به شرطی که از تمهیدات جسورانه بهره‌گیریم و کارهایی انجام دهیم که قبل از ما هم به فکر بقیه رسیده اما به هر دلیلی انجام نشده است. این‌گونه بود که اقتصاد دستوری کنار گذاشته شد و اقتصاد هند دوباره به پرواز درآمد. مان موهان سینگ اقتصاددان هندی متولد ۱۹۳۲، وزیر دارایی دولت ناراسیموها راثو در دهه ۱۹۹۰ بود

^۱ -Narasimha Rao

^۲ -Newly Industrialized Country

و بانی اصلاحاتی شد که به آزادسازی اقتصادی در هند انجامید و تغییرات اساسی در این کشور به وجود آورد. وی پس از پیروزی حزب کنگره به رهبری سونیا گاندی در انتخابات سال ۲۰۰۴ به نخست وزیری هند رسید. ظهور یک اقتصاد دان در جایگاه نخست وزیر به رونق و پیشبرد سیاستها و طرحهای اقتصادی که سالهای پیش و در زمان وزارت خود او برنامه ریزی شده بود، کمک فراوانی کرد. (Ahluwalia and Little, 2012:10) وی با پیشبرد برنامه های اقتصادی بلند مدت گذشته و تغییر ساختار جهت دهی سیاست خارجی و اقتصادی هند، این کشور را به یکی از قدرتهای نو ظهور دنیا تبدیل کرده است.

توسعه اقتصادی در هند در بخشهای مختلف اقتصاد این کشور خود را نشان داده است. در سالهای اخیر این کشور از یکی از بزرگترین وارد کنندگان مواد غذایی، با گذاشتن از مرز خود کفایی، به صادر کننده برخی اقلام غذایی تبدیل شده است. هند نه تنها سیاست امنیت غذایی صدها میلیون نفر را دنبال کرده است، بلکه در بخش صنایع و خدمات نیز رشد چشمگیری داشته است. هم اکنون ۱۶ درصد مردم این کشور در بخش کشاورزی اشتغال دارند، ۲۹ درصد در بخش صنعت و ۵۵ درصد نیز در امور خدماتی مشغول هستند. زیر ساختهای ارتباطی نیز در این کشور هر چند اغلب قدیمی و نه چندان ایمن هستند، اما باید خاطر نشان کرد که به خاطر تلاش انگلستان برای دسترسی به کليه نقاط هند در دوران استعمار، تقریباً حتی دورترین مناطق نیز در این کشور پهناور با خطوط جاده ای و راه آهن به یکدیگر متصل شده اند. با گسترش روند ساخت و ساز جاده ها و خطوط ریلی جدید در این کشور در سالهای اخیر، امروزه هند دارای چهارمین سامانه خطوط راه آهن و سومین کشور دارای خطوط گسترده جاده ای در جهان است. در زمینه ارتباط مخابراتی نیز استفاده از تلفن های همراه در سالهای اخیر رشد چشمگیری داشته و در سال ۲۰۱۰ تعداد ۶۷۰ میلیون خط تلفن همراه در هندوستان مورد استفاده بوده است. این بدان معنا است که امروزه تقریباً از هر دو نفر هندی، یک نفر تلفن همراه دارد. از نظر توسعه منابع انسانی، دومین کشور پر جمعیت جهان که بیش از یک میلیارد و دویست میلیون نفر، یعنی ۱۵ درصد جمعیت جهان در آن زندگی می کنند و از نظر مساحت سرزمینی، هفتمین کشور بزرگ جهان است، دارای جمعیتی جوان، با میانگین سنی ۲۶ سال و با رشد ۱,۳ درصد است که می تواند پشتوانه انسانی خوبی برای ساختن آینده هندوستان باشند. سوادآموزی که یکی از شاخصهای مهم توسعه در یک کشور به شمار می آید، از اهمیت ویژه ای در سیاستگذاری های مقام های هندی برخوردار بوده است. در سال ۱۹۴۷ و به هنگام استقلال این

کشور، تنها ۱۲ درصد مردم هند باسواد بودند. در سال ۱۹۴۷ و به هنگام استقلال این کشور، تنها ۱۲ درصد مردم هند باسواد بودند. این رقم در سال ۲۰۰۷ به ۶۸ درصد رسید که با توجه به رشد بالای جمعیت در این کشور در دهه‌های گذشته، می‌توان گفت که جهش چشم‌گیری داشته است. (Agrawal, 2013: 2-5). بر همین اساس یکی از پایه‌های اساسی پیشرفت هند، مبانی اقتصادی توسعه داخلی و خارجی آن بوده است. حضور همه‌جانبه هند در سازمانهای جهانی و منطقه‌ای و استفاده از دیپلماسی منطقه‌ای و جهانی با استفاده از متغیرهای اقتصادی یکی از مبانی اساسی گسترش نفوذ و جایگاه جهانی هندوستان بوده است. پژوهش حاضر ضمن بررسی مبانی توسعه همه‌جانبه اقتصادی در هندوستان دیپلماسی اقتصادی و اهداف کلان سیاسی و استراتژیک هند در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی را بررسی می‌کنیم.

دیپلماسی اقتصادی: چارچوب شناسی مفهومی

غالباً وقتی از دیپلماسی سخن به میان می‌آید، مسائل مربوط به سیاست و سیاست خارجی و... در ذهن متبادر می‌گردد. کلمه «دیپلماسی»^۱ به مفهوم امروزی حدودی دویست سال است که وارد زبانهای اروپایی و غیر اروپایی شده است. ریشه لغوی دیپلماسی از کلمه یونانی «دیپلما»^۲ گرفته شده که به معنی کاغذ تاخورد و یا تصدیق و گواهی‌نامه بوده است. در یونان قدیم، دیپلما به معنی گواهی‌نامه‌ای بود که در پایان یک دوره مطالعاتی به افراد اعطا می‌شد و معمولاً به صورت یک ورقه تاخورد و بود. (Szykman, 1995: 23) دیپلماسی در فرهنگ لغت انگلیسی عبارت است از سیاستمداری، تدبیر، کاردانی، فعالیت در مسائل سیاست خارجی و در مفهوم عام و کلی به معنی تدبیر و فن مدیریت بین واحدهای سیاسی و تنظیم و اداره امور بین الملل از راههای مسالمت آمیز مذاکرات سیاسی برای اتحاد، عقد قراردادهای و عهدنامه‌ها است. دیپلماسی در مفهوم گسترده تر آن مترادف واژه انگلیسی (Tact) به معنی تدبیر و توانایی درک موقعیت و حساسیت اوضاع و احوال، تنظیم گفتار و کردار و آداب معاشرت، با توجه به وضعیت و به بهترین وجه ممکن می‌باشد. (کاظمی، ۱۳۶۶: ۱۲۱)

^۱ -Diplomacy

^۲ -Diloma

در زمینه رابطه بین سیاست، دیپلماسی و سیاست خارجی از آنجا که تبیین این رابطه تا حدود زیادی به نوع برداشتها و تعریف از دیپلماسی مربوط می شود، توضیح مختصری در این باب ارائه می کنیم. به طور کلی همانگونه که برایان وایت نیز در برداشت خود از دیپلماسی اشاره می کند، میتوان با توجه به دو چشم انداز عمده در مورد سیاست جهانی، یعنی تصویر درشت یا چشم انداز کلان (Macro Vision) و تصویر ریز یا چشم انداز خرد (Micro Vision) معنای این اصلاح را بهتر درک کرد. (بلیس و اسمیت، ۱۳۸۸: ۷۱۵-۷۱۶) چشم انداز کلان سعی میکند تا معنای سیاست جهانی را به صورت یک کل استنباط کند در حالیکه چشم انداز خرد سعی میکند تا سیاست جهانی را از زاویه دیدی متفاوت اما مکمل و متشکل از بازیگران حاضر در سیاست جهانی تشریح کند. بنابراین اگر بخواهیم دیپلماسی را در هر یک از این چشم اندازها تعریف کنیم به عبارات و نتایج زیر دست می یابیم:

الف- دیپلماسی در سیاست جهانی عبارتست از فرآیند ارتباط بین بازیگران بین المللی که قصد دارند از طریق مذاکره، تعارض را بدون جنگ حل و فصل نمایند. این فرآیند که برای کارکرد نظام جهانی ضروری است، در طول قرنهای پالایش و نهادینه شده و به صورت حرفه ای در آمده است. به عنوان مثال وقتی از دیپلماسی قدرتهای بزرگ، دیپلماسی نشست سران؛ دیپلماسی توسعه و نظایر آن صحبت می کنیم، منظور ما کاربرد دیپلماسی به مفهوم عام آن است. (کاظمی، ۱۳۶۵: ۵۵-۵۳)

ب- در چشم انداز خرد، دیپلماسی را می توان روش و ابزاری سیاسی و نه فرآیندی جهانی تلقی کرد. در این نگاه، دیپلماسی ابزاری فراهم می کند که بازیگران بین المللی از آن برای اجرای سیاست خارجی خود استفاده می کنند. این ابزار ممکن است در ارتباط با دیگر طرفها مستقیماً مورد استفاده قرار گیرد که از آن به دیپلماسی محض^۱ یاد می کنند یا به عنوان وسیله ای برای اعلام استفاده یا تهدید به استفاده از دیگر ابزارها مورد استفاده قرار گیرد که به آن دیپلماسی مختلط^۲ می گویند. پس به طور کلی، دیپلماسی در ارتباط با سیاست خارجی یکی از ابزارهای سیاسی است که احتمالاً همراه با دیگر ابزارها مانند نیروی نظامی، بازیگران بین المللی (مثل دولتها) را قادر می سازد تا بتوانند به اهداف خود دست یابند. (بلیس و اسمیت، ۱۳۸۸: ۷۱۶) در چشم انداز خرد، کلمه دیپلماسی دارای دو

^۱ - Pure Diplomacy

^۲ -Mixed Diplomacy

مفهوم است. اول اینکه این واژه به صورت کلمه‌ای مترادف سیاست خارجی استعمال می‌گردد. دوم به عنوان یک اسم جمع برای کارگزاران و مقامات رسمی یک مملکت که مسئولیت اجرای تصمیمات مربوط به سیاست خارجی را دارا می‌باشند، به کار برده می‌شود. در نتیجه این مفهوم دوگانه دیپلماسی موجد وجود دو جنبه سیاست خارجی است: یکی تدوین و دیگری اجرای آن در یک کشور. تنظیم و تدوین سیاست خارجی از جمله مسئولیتهای یک دولت است، بدین معنی که قانون اساسی مدون و یا غیر مدون یک کشور اختیارات و تکالیفی را برای هدایت سیاست خارجی آن در رابطه با دولتهای دیگری تفویض می‌نماید. دیپلماسی اقتصادی در دهه‌های اخیر به ابزاری مهم در روابط خارجی کشورها به منظور استفاده از فرصتهای دو جانبه و چند جانبه و همچنین مزایای اقتصاد جهانی در جهت تامین منافع ملی تبدیل شده است. دیپلماسی اقتصادی موضوعی است که اساساً در دوران پس از جنگ سرد وبا گسترش فرآیند جهانی شدن در چارچوب «فضای جریانها» مطرح شده و امروزه به عنوان یکی از ابزارهای نوین، کارآمد و قدرتمند کش در فضای بین الملل در برابر دیپلماسی سنتی قرار گرفته است. اساس شکل گیری دیپلماسی اقتصادی مبتنی بر کاستی‌های دیپلماسی سنتی برای تحقق اهداف سیاست خارجی و تامین منافع بازیگران دولتی و غیر دولتی عرصه بین الملل در چارچوب تعاملات فزاینده و چند وجهی اقتصاد جهانی است (Moons and Van Bergeijk, 2009, 37-38)

از منظری کلان، دیپلماسی اقتصادی در معنای عام خود بهره‌گیری از ابزارهای مختلف اقتصادی برای تاثیرگذاری بر رفتار طرفهای خارجی جهت تأمین منافع ملی در سطوح دو جانبه و چند جانبه است. (شیخ عطار، ۱۳۸۵: ۱۲) دیپلماسی اقتصادی به آن بخش از فعالیتهای اقتصادی در روابط خارجی یک دولت اطلاق می‌شود که مبتنی بر راهبرد شناسایی و ایجاد فرصتهای اقتصادی به ویژه در بعد صادراتی، به منظور استفاده از فرصتها و مزایای اقتصاد جهانی است. هنگامی که از دیپلماسی به طور عام و دیپلماسی اقتصادی به طور خاص صحبت به میان می‌آید، اساساً رویکرد خارجی مورد اشاره قرار دارد. از این منظر، دیپلماسی اقتصادی سه هدف عمده را مورد توجه قرار می‌دهد:

- ۱- دسترسی به بازارهای جهانی^۱
- ۲- جذب سرمایه‌های خارجی^۱ (به طور مستقیم و غیر مستقیم - دو جانبه و چند جانبه)

^۱ -Market Access

۳- حفظ اقتصاد ملی در مقابل چالشهای اقتصاد جهانی^۲ (واعظی، ۱۳۸۸: ۱۵۲-۱۵۱) در عصر جهانی شدن، به انجام رسیدن برنامه های توسعه ملی، منوط به تعامل سازنده میان توسعه ملی/ داخلی با روندها و جریانهای اصلی جهانی است. با توجه به این توضیحات، دیپلماسی اقتصادی با موضوعات سیاسی- اقتصادی پیوند خورده است. دیپلماتهای فعال در این حوزه در نهادها و سازمانهای بین المللی همچون سازمان تجارت جهانی فعالیت دارند. آنها در طول فعالیتهای خود اقدامات زیادی را انجام می دهند. از جمله اینکه سیاستهای اقتصادی خود را در کشورهای خارجی کنترل و گزارش می دهند، به حکومتها و نمایندگیهای داخلی خود توصیه های لازم را می نمایند که چگونه می توانند تاثیرگذاری بیشتری را داشته باشند. دیپلماسی اقتصادی همچنین منابع اقتصادی را هم به عنوان مجازات اقتصادی و یا پاداشهای اقتصادی در تعقیب اهداف ویژه اقتصادی سیاست خارجی به کار می برند (Saner and Yiu, 2003:14) که کاربرد دیپلماسی به عنوان ابزاری برای تشویق و یا تهدید در عرصه اقتصاد بین الملل را می توان اقتصاد ابزاری در دستان دولت نامید. دیپلماسی اقتصادی ابزاری برای سیاست خارجی محسوب می شود. به طور خاص دیپلماسی اقتصادی مرتبط با بکاربرد تواناییهای مادی از جمله تکنولوژی و پول و مذاکرات در مورد مسائل سیاسی با ابعاد اقتصادی از قبیل توافقات تجاری دو جانبه و چند جانبه در تعقیب منافع ملی است. در این ارتباط دیپلماسی اقتصادی را می تواند دو معنا از آن برداشت نمود. ۱- دیپلماسی مرتبط با موضوعات سیاسی- اقتصادی است. ۲- دیپلماسی، منابع اقتصادی را هم به عنوان پاداش به کار می گیرد و هم به عنوان مجازات برای تامین اهداف سیاست خارجی. در واقع دیپلماسی اقتصادی در کنار کاربرد در سیاست خارجی برای تامین اهداف سیاست داخلی نیز مورد استفاده قرار می گیرد. دیپلماسی اقتصادی تنوعی از ابزار که هم به طور مستقیم و هم غیرمستقیم در تعاملات دیپلماتیک میان بازیگران بکار گرفته می شود. این امر در مواردی همچون سیاست هویچ و چماق نیز گنجانیده می شود. همانطور که اشاره گردید در تقسیم بندی که از دیپلماسی با موضوعات اقتصادی در عصر جهانی شدن به عمل آمد، دیپلماسی

^۱ -Foreign Investment

^۲ -Self Protection

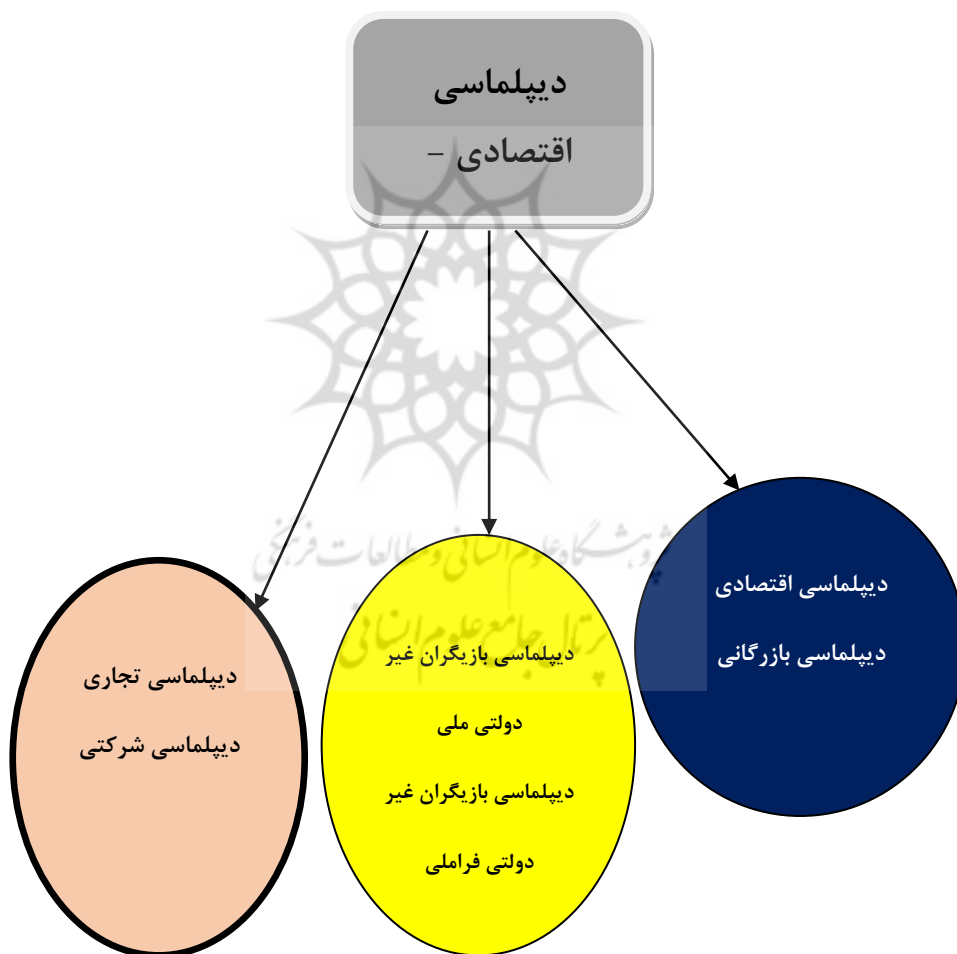
اقتصادی در کشورهای توسعه یافته و با سطح بالای تعاملات تجاری به شاخه‌های تخصصی و جزئی‌تر نیز تقسیم گردیده است. لذا دیپلماسی اقتصادی مفهومی عام بوده که تمامی موضوعات اقتصادی سیاسی میان کشورها را در بر می‌گیرد. به عبارت دیگر دیپلماسی اقتصادی و بازرگانی به عنوان دو مفهوم پیوندهای زیادی با هم دارند. هر چند جایگاه دیپلماسی اقتصادی همچون دیپلماسی بازرگانی است، اما به طور کامل یکی نیستند، بلکه دیپلماسی بازرگانی دارای چشم انداز محدودتری از دیپلماسی اقتصادی است و دیپلماسی اقتصادی نگاه کلان‌تری به تعاملات اقتصادی دولت‌ها با دیگر دولت‌ها دارد.

در یک تقسیم‌بندی، دیپلماسی اقتصادی را متناسب با نقش و کارکرد آن می‌توان به دو دسته دیپلماسی دولتی و دیپلماسی غیردولتی تقسیم نمود.

کارکردها	بازیگران	
دیپلماسی اقتصادی	دیپلماتهای اقتصادی	نقش‌های دولتی
دیپلماسی بازرگانی	دیپلماتهای بازرگانی	
دیپلماسی شرکتی	دیپلماتهای شرکتی	نقش‌های غیردولتی
دیپلماسی تجاری (کسب و کار)	دیپلماتهای تجاری (کسب و کار)	
دیپلماسی سازمان‌های غیردولتی ملی	دیپلماتهای سازمان‌های غیردولتی ملی	
دیپلماسی سازمان‌های غیردولتی فراملی	دیپلماتهای سازمان‌های غیردولتی فراملی	
دیپلماسی انرژی	دیپلمات‌ها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی	

با وجود تعاریف و تقسیم‌بندی‌هایی که از دیپلماسی اقتصادی صورت گرفته است، دیپلماسی اقتصادی را می‌تواند اینگونه تعریف نمود: «تمامی فعالیت‌ها و استراتژی‌ها و ابتکارات فعال اقتصادی-سیاسی دولتی و غیردولتی که در سیاست خارجی کشورها در دو سطح ملی و بین‌المللی با هدف دستیابی و حضور در عرصه اقتصاد جهانی و جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات برای عرصه

داخل بکار گرفته می شود» را می توان دیپلماسی اقتصادی تعریف نمود. به عبارت دیگر دیپلماسی اقتصادی موضوعات سیاسی اقتصادی را در بر می گیرد که برای تامین منافع ملی کشور در عرصه بین الملل بکار گرفته می شود. حتی ممکن است در برخی مواقع از دیپلماسی اقتصادی به عنوان ابزار تشویق و ترغیب یا مجازات اقتصادی دیگر بازیگران دولتی و غیر دولتی تحت عنوان اقتصاد ابزاری در دستان دولت بکار گرفته شود. (فیروز آبادی و صالحی، ۱۳۹۱: ۸۱)



بر همین اساس و با توجه به تعاریف بالا هند در هر یک از حوزه‌های دیپلماسی اقتصادی بسیار فعال بوده و توانسته است در نقاط مختلف دنیا، دیپلماسی اقتصادی خود را به طرق گوناگون فعال کند. دیپلماسی اقتصادی هند در مناطق مختلف دنیا هم به صورت دولتی و هم غیر دولتی بوده است. پروژه‌های عظیم دیپلماسی اقتصادی هند در مناطق مختلف دنیا را دولت این کشور بقیه پروژه‌ها را اشخاص و شرکت‌های خصوصی به دست می‌گیرند. امروزه بیشینه سازی نفوذ چین در مناطق مختلف بر اساس دیپلماسی اقتصادی بوده است. در بخش بعدی ضمن توضیح مختصر سیاست خارجی هند، دیپلماسی اقتصادی این کشور را در دو سازمان مهم یعنی سارک و اتحادیه آفریقا بررسی میکنیم.

سیاست خارجی هند؛ درس‌گیری از گذشته، حرکت به سمت جلو

سیاست خارجی هند مناسبات بین‌المللی را برای این کشور در محیط خارجی رقم زده است که با الویتهای توسعه اقتصادی هماهنگ باشد. بر این اساس گذری بر سیاست خارجی هند و سیر تحول آن تا مرحله توسعه گرایی و اقتصاد محور شدن می‌تواند، به تحلیل دیپلماسی اقتصادی کمک شایان توجهی بکند.

منابع و متون سستی هند مانند گیتا و ماهاباراتا و تعالیم واقع‌گرایانه فیلسوف و سیاستمدار هندی، کائوتلیا در آرث شاسترا در کنار آموزه‌های سیاسی عصر روشنگری که با ورود بریتانیا به هند وارد این کشور شدند، از مهمترین منابع و جریانه‌های شکل دهنده به سیاست خارجی هند هستند. (Kumar, 2008:2) که به صورت آمیزه‌ای از اصول واقع‌گرایانه و آرمان‌گرایانه، سیاست خارجی این کشور را در دوره‌های مختلف تحت تاثیر قرار داده‌اند و در ترکیب با مجموعه عوامل اثرگذار از قبیل نظام بین‌الملل و تحولات داخلی، به رفتارهای سیاست خارجی این کشور جهت داده‌اند. بدین ترتیب سیاست خارجی هند سه دوره متفاوت را پشت سر گذاشته است که هر یک با محوریت یکی از اصول سیاست خارجی شکل گرفته‌اند. این سه دوره عبارتند از:

دوره اول شامل سالهای ۱۹۶۲-۱۹۴۷ که دوره حاکمیت آرمان‌گرایی نهرویی بر سیاست خارجی هند است،

دوره دوم شامل سالهای ۱۹۹۰-۱۹۶۲ که دوره حاکمیت واقع‌گرایی بر سیاست خارجی هند است و دوره سوم شامل سالهای ۱۹۹۰ به بعد که با پایان جنگ سرد آغاز شد و با اتخاذ رویکرد عمل‌گرایانه

مبتنی بر لیبرالیسم اقتصادی در سیاست خارجی هند ادامه یافت (کولایی و تیشه یار، ۱۳۹۱: ۲۴۸)

به طور کلی مسیر توسعه اقتصادی هند پس از استقلال را به سه دوره می توان تقسیم کرد. این دوره ها که تا حدودی با تقسیم بندی دوره های تحول سیاست خارجی شباهت دارند، عبارتند از:

الف) آغاز استقلال هند تا دهه ۱۹۸۰

ب) دهه ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰

ج) از آغاز دهه ۱۹۹۰ تاکنون

الف) دوره اول توسعه (۱۹۸۰-۱۹۷۰):

در دوره اول و بعد از استقلال هند از بریتانیا، رهبران هند در چارچوب سیاست عدم تعهد، ضمن تدوین یک استراتژی بلند مدت و برنامه های کوتاه مدت اقتصادی در چارچوب اهداف سوسیال دموکراتیک، اقدام به درخواست کمکهای خارجی و وام از خارج کردند. اما به دلیل مشکلات اساسی در سیستم اقتصادی و دولتی بودن اقتصاد، برای دریافت این وام ها با مشکلات زیادی روبرو بودند. از جمله این دشواری ها می توان به تعهدهای سنگینی اشاره کرد که بانک جهانی در برابر اعطای وام، بر برنامه پنج ساله سوم هند تحمیل کرد. با توجه به اینکه در این دوره آمریکا نفع مهمی در منطقه آسیای جنوبی نداشت و از سوی دیگر هند نیز به دلیل سیاست عدم تعهد تلاشی برای نزدیکی به این کشور انجام نمی داد، آمریکا به لحاظ اقتصادی نیز در این منطقه، به ویژه هند، خود را درگیر نکرد و در نتیجه کمک های اقتصادی ناچیزی هم که در آن مقطع زمانی به هند می رسید، با شروع جنگ ویتنام و تحولات دیگر پایان یافت. (کولایی و تیشه یار، ۱۳۹۱: ۱۹۵)

ب) دوره دوم توسعه (۱۹۸۰-۱۹۹۰):

در نتیجه چرخش هند از آرمانگرایی به واقع گرایی، که در نتیجه شکست در جنگ ۱۹۶۲ اتفاق افتاد، رهبران هند و از جمله شخص نهرو نیاز به تامین تجهیزات دفاعی و دریافت تکنولوژی نظامی را دریافتند و متوجه شدند که تنها با تکیه بر اصول هنجاری، قادر به تامین صلح و امنیت ملی و بین المللی نیستند و از این رو درصدد ایجاد یک ضمانت امنیتی برآمدند. در این مقطع، هند کم کم به مرحله دوم فرایند توسعه اقتصادی خود نزدیک می شد، مقطعی که در آن موقعیت و موضع گروههای متفاوت در داخل جامعه هندی تثبیت می شد. در مجموع یکی از پیامدهای مهم سیاست

خارجی مبتنی بر عدم تعهد هم در دوره اول و هم در دوره دوم توسعه، جلوگیری از ادغام و همگرایی هند در بازارهای جهانی بود که اگر چه خودکفایی نامیده می‌شد، اما مانع از رشد سریع اقتصادی هند نیز شد. در این دوران، رشد اقتصادی کشور بر اساس درآمد سرانه، ۳٫۳ درصد بود در حالی که در اواسط دهه ۱۹۹۰ این رقم به ۵٫۳ درصد و در دهه ۲۰۰۰ بیش از ۷ درصد افزایش یافت. در اواخر این دوره، حکومت هند با درک نیاز به بازارهای گسترده برای فروش کالا و جذب سرمایه خارجی، اقدام به اجرای سیاستهای آزاد سازی تجاری و اقتصادی کرد. سیاستهایی که در این دوره شروع شدند، در دوره بعد ادامه یافتند و در کنار تحولات سیاسی داخلی و بین‌المللی، به توسعه اقتصادی کشور کمک کردند.

ج) دوره سوم توسعه (۱۹۹۰ تا کنون)

در واقع، مهمترین تحول سیاست خارجی هند در این دوره که باعث خیزش عظیمی در اقتصاد این کشور شد، درک ظرفیت کشور برای تبدیل شدن از رهبری جهان سوم به یک قدرت بزرگ بود. آرزویی که در تنها وقتی جنبه واقع‌گرایانه به خود می‌گرفت که تحولی در اقتصاد این کشور رخ داده باشد. در این دوران، روند رشد اقتصادی کشور که از سالهای قبل آغاز شده بود، سیر صعودی شتابانی به خود گرفت. این امر به ویژه در بخش تولید خدمات و نرم افزارهای کامپیوتری چشمگیر بود. به طوری که در کنار رشد اقتصادی ۱۱٫۳ درصدی در بخش صنعت و رشد ۱۱ درصدی در بخش خدمات، صادرات نرم افزار در این کشور از سال ۱۹۹۱ تا سال ۲۰۰۶ سالانه بیش از ۵۰ درصد رشد داشته است. (Talbot, 2006: 34)

یکی از مهمترین ابعاد تحول سیاست خارجی این دوره که اثرهای اقتصادی آشکاری برای توسعه هند داشت، تحول روابط هند و آمریکا در اواخر دوره ریاست جمهوری کلینتون و اوایل دوره بوش بود. در دوره بوش، روابط هند-آمریکا به سطح استراتژیک ارتقاء یافت. بوش با این درک که نفوذ و تاثیرگذاری هند در آینده فرامنطقه‌ای خواهد شد، چارچوب روابط ایالات متحده با هند را دوباره طراحی کرد. در این راستا، ایالات متحده به اقدام‌هایی مانند لغو تحریمها، فراهم سازی زمینه همکاری مشترک در حوزه تکنولوژی پیشرفته، حمایت سیاسی از مبارزه هند علیه تروریسم، پایان بخشیدن به حمایت طولانی مدت از موضع پاکستان در برابر کشمیر و تلاش در جهت برقراری توازن در معادله چین - هند دست زد. هند نیز متقابلاً اقدامهایی در برابر تغییر گسترده رویکرد ایالات

متحدہ در زمینه های مختلف در عرصہ نظام بین الملل، همسویی بیشتری نشان داد. بهبود روابط هند با ایالات متحدہ، تاثیرهای خود را به سرعت در غلصہ اقتصاد و تجارت آشکار ساخت. تجارت دو جانبه از ۵,۶ میلیارد در سال ۱۹۹۰ به حدود ۱۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۳ رسید کہ رشدی بیش از ۲۲۱ درصد را نشان می دهد. همچنین دو دولت در ژانویہ ۲۰۰۵، موافقت نامہ آسمان باز را به امضا رساندند کہ زمینه افزایش تجارت و مشارکت اقتصادی بین دو کشور را فراهم می ساخت. تحول در چارچوب سیاست خارجی هند، همچنین منجر به تحول در روابط هند با کشورہای عضو اتحادیہ اروپایی شد. هند توجہ و مساعی ویژه ای را به برقراری رابطہ نزدیک با قدرتهای اتحادیہ اروپا اختصاص داده است و اعضای اصلی این اتحادیہ، به ویژه انگلیس و فرانسہ کہ بازار هند را بازار مناسبی برای محصولات پیشرفته تکنولوژیکی خود می دانند، در سالہای اخیر به حمایت از اهداف منطقہ ای و جهانی هند پرداختہ اند. استراتژی جدید سیاست خارجی هند همچنین در منطقہ آسیای جنوب شرقی و چین تاثیر گذار بودہ و روابط اقتصادی و تجاری گسترده را جایگزین تنش کردہ است؛ تا آنجا کہ چین - دشمن تمام سالہای پس از استقلال هند به دومین شریک تجاری هند پس از آمریکا تبدیل شدہ است و شرکتہای دو کشور درصددند با مشارکت یکدیگر، اقدام به تاسیس شرکتہای چند ملیتی کنند. (توحیدی، ۱۳۸۶) در کنار این سیاست اقتصادی هند در اقصی نقاط جهان بیش از اینکہ اقتصادی باشد بر مبنای ناسیونالیسم ہندی و برون رفت از تحقیر تاریخی ہندیان فقیر استعمار شدہ و توسط امپراطوری ہا و کشورہای مختلف بودہ است.

توسعہ و دیپلماسی اقتصادی در بزرگترین دموکراسی جهان: دریچہ ای از اقتصاد هند

هند با جمعیتی بیش از یک میلیارد نفر، وسعتی پهناور و با یک دہہ رشد اقتصادی بالای ہشت درصد، پیشرفت گسترده در زمینه فناوری اطلاعات و IT، نانو تکنولوژی و بیوتکنولوژی، و عضویت در باشگاہ ہستہ ای از پتانسیل بالایی برا تبدیل شدن بہ قدرتی جهانی برخوردار است. اگر چہار مولفہ جمعیت، وسعت سرزمین، قدرت نظامی و مصرف انرژی را شاخصہ های قدرت منطقہ ای بہ حساب آوریم، هند تمامی این مشخصات را دارد. از نظر ملزومات توسعہ و در رابطہ با سیاست خارجی، هند امروزہ بزرگترین قدرت در منطقہ آسیای جنوبی است و از بنیانگذاران سازمان

همکاری منطقه ای آسیای جنوبی (سارک)^۱ به شمار می آید که بزرگترین سازمان منطقه ای در جهان از نظر تعداد جمعیت است. این کشور همچنین از بنیانگذاران جنبش عدم تعهد در دوران جنگ سرد است و در سیاست خارجی خود نیز برای دهه ها از این چارچوب بهره گرفته و به حمایت از کشورهای مستعمره برای کسب استقلال پرداخته است. این امر موجب شده که هندوستان از جایگاه و اهمیت ویژه ای در بین کشورهای جهان سوم و در حال توسعه برخوردار باشد و در نشست ها و مجامع بین المللی از کشورهای پیشرو در احقاق حقوق کشورهای ضعیف تر به شمار آید. تا سال ۲۰۱۰ ۵۵ هزار نفر از نیروهای ارتش هند در ۳۵ مأموریت صلح بانی سازمان ملل در چهار قاره جهان شرکت کرده بودند. (Ganguly, 2012:30-38)

البته سیاست عدم تعهد، سیاستمداران هندی را از این امر باز نداشت که برای تامین منافع ملی هند، از گسترش روابط با دو بلوک شرق و غرب در دوران جنگ سرد روی برگردانند. آنان در این مدت نه تنها از حمایتها و وام های مالی قدرتهای غربی برخوردار بودند، بلکه با بلوک شرق نیز روابط صمیمانه ای برقرار کردند که نمونه مهم آن را می توان در امضای پیمان همکاری و دوستی با اتحاد شوروی در ۱۹۷۱ مشاهده کرد. در آن دوران، از سویی شوروی بزرگترین تامین کننده سلاح های مورد نیاز هند بود و از سوی دیگر هند روابط نظامی گسترده ای با فرانسه و اسرائیل برقرار کرده بود. امروزه هندوستان نه تنها به عنوان یک قدرت هسته ای در منطقه جنوب آسیا، از اهمیت نظامی ویژه ای برخوردار است، بلکه سومین ارتش بزرگ جهان از نظرات تعداد نفرات و دهمین ارتش بزرگ جهان از نظر میزان تجهیزات، چهارمین نیروی هوای و پنجمین نیروی دریایی جهان را داراست و علاوه بر این دومین کشور بعد از آمریکا است که می تواند تصویرهای ماهواره ای را با قابلیت تفکیک پذیری نشان دهد. برخوردهای نظامی میان این کشور و دو همسایه مهم آن، یعنی چین و پاکستان طی سالهای ۱۹۴۷ تا ۱۹۷۱، مهمترین عامل در گسترش توانمندی های نظامی این کشور به شمار می رود. (Bajpai and Pant, 2013:97-110) از آنجا که اختلافهای مرزی و عقیدتی میان هند و همسایگان همچنان پابرجاست، این امر موجب شده است که این کشور در سالهای اخیر به دومین وارد کنند تسلیحات نظامی در جهان بدل شود.

هند در بودجه دفاعی در نرخ بازار ارز رتبه یازدهم را داراست و نیز یکی از شش قدرت هسته ای

^۱ - SAARC

جهان به شما می رود که با توافقنامه هسته ای اخیری که با آمریکا به صورت دو فاکتو امضا کرده، عضو باشگاه هسته ای جهان شده است. طبق گزارش سازمان سیا، وقتی کشورها بر اساس قدرت ملی رتبه بندی می شوند که وزن آنها از ترکیب GDP (هزینه دفاعی، جمعیت و رشد تکنولوژی) محاسبه شود؛ از این منظر هند تا سال ۲۰۱۵، بعد از آمریکا، اتحادیه اروپا و چین، چهارمین قدرت دنیا معرفی خواهد شد که قادر به تجمیع مولفه های قدرت خواهد بود. این گزارش نشاندهنده قدرت بالا و روز افزون هند در حوزه نظامی است. (دهقان و کاظمی، ۱۳۹۰: ۱۲-۱۱) در همان حال، اگر چه هند به عنوان ششمین قدرت هسته ای جهان به رسمیت شناخته شده، اما این کشور تاکنون از امضای پیمان منع گسترش هسته ای^۱ و نیز پیمان منع انجام آزمایش هسته ای^۲ سر باز زده است. برنامه های اعمال تحریمهای بین المللی علیه سیاست های هسته ای این کشور نیز به همت راهبردهای موثر سیاستمداران هندی، به تدریج کنار گذاشته شده اند. هند تا آنجا پیش رفته که توانسته است در سالهای اخیر همکاری های اقتصادی، استراتژیک و نظامی خود را با ایالات متحده و اروپای غربی گسترش دهد. نمونه آن را می توان در امضای توافقنامه همکاری هسته ای این کشور با آمریکا در سال ۲۰۰۸ دید. امروزه علیرغم اختلاف نظرها پیرامون موضوع های مختلف، مهمترین طرفهای تجاری هند در امر صادرات، کشورهای امارات متحده عربی، آمریکا و چین هستند. مهمترین طرفهای تجاری در امر واردات به هند نیز کشورهای چین، آمریکا و عربستان هستند. در مجموع، چین- با ورود اختلافهای سیاسی و سرزمینی میان دو کشور- مهمترین شریک بازرگانی هند به حساب می آید. همچنین در دوران پس از جنگ سرد، این کشور در قالب سیاست نگاه به شرق همکاری های نزدیک اقتصادی با کشورهای عضو آسه آن^۳ در جنوب شرق آسیا و ژاپن و کره جنوبی در شمال آسیا برقرار کرده است. (Kondapalli, 2010: 309-310) از سوی دیگر، به واسطه اجرای برنامه های اقتصادی گسترده، هر چند تولید روزانه نفت در این کشور به ۸۷۰ هزار بشکه رسیده، هندوستان از سال ۲۰۰۹ به چهارمین مصرف کننده بزرگ نفت در جهان پس از ایالات

^۱ -NPT

^۲ -CTBT

^۳ -ASEAN

متحد، چین و ژاپن تبدیل شده است و با واردات ۲,۱ میلیون بشکه نفت در روز، تقریباً ۷۰ درصد نفت خام مصرفی خود را وارد می‌کند. این امر موجب شده است که در سالهای اخیر هندوستان توجه ویژه‌ای به گسترش روابط خود با کشورهای تولیدکننده انرژی داشته باشد. در حدود ۷۰ درصد نفت وارداتی هند، از منطقه خلیج فارس است. بر اساس آمارهای سال ۲۰۰۹، عربستان ۱۸ درصد، ایران ۱۶ درصد، کویت ۱۰ درصد، عراق ۹ درصد، امارات ۸ درصد و سایر کشورهای منطقه ۹ درصد نفت مورد نیاز این کشور را تامین می‌کنند. در این سالهای هندوستان نه تنها تلاش کرده است روابط سیاسی خود را با کشورهای این منطقه گسترش دهد، بلکه شرکتهای نفتی هندی نیز در بخش سرمایه‌گذاری در صنایع انرژی این کشورها و نیز سایر کشورهای تولیدکننده انرژی فعال بوده‌اند و در کشورهایی مانند روسیه، ایران، عراق، سودان، برزیل، ویتنام، برمه و کلمبیا سرمایه‌گذاری کرده‌اند. حضور گسترده نیروی کار هندی در کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس نیز موجب شده است که هند پایگاه اقتصادی و جایگاه فرهنگی مستحکمی برای خود در این منطقه بنا کند. (کولایی و تیشه یار، ۱۳۹۱: ۱۲-۱۱)

هند همچنین با چنین روند رشدی، با آمریکا، چین، و ژاپن رقابت شدید و تنگاتنگی را برای دستیابی هر چه بیش‌تر به منابع نفت و گاز خاورمیانه آغاز کرده است. هند که طی سال‌های اخیر با افزایش رشد اقتصادی روبه‌رو شده، تلاش زیادی را برای تحکیم روابط سیاسی و اقتصادی خود با کشورهای منطقه خاورمیانه آغاز کرده است. هند طی سال ۲۰۰۴ ششمین واردکننده بزرگ نفت جهان به‌شمار می‌رفت و این کشور طی سال گذشته بیش از ۸۱۲ میلیون بشکه نفت وارد کرده که این رقم نسبت به سال قبل از آن ۱۱ درصد رشد داشته است. (Hate, 2006: 2) هند در حال حاضر ۶۵ درصد نفت مورد نیاز خود را از خاورمیانه وارد می‌کند. دهلی نو قرار است با عقد قرارداد ۳/۴ میلیارد دلاری در عملیات احداث یک پالایشگاه ۳۰۰ هزار بشکه‌ای در مصر مشارکت کند. خاورمیانه بیش از ۶۶ درصد نفت صادراتی خود را به آسیا صادر می‌کند. چین و ژاپن نیز برای عقب‌نماندن از هند تلاش‌های وسیعی را برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های انرژی خاورمیانه آغاز کرده‌اند. (Kumaraswamy, 2008: 579-580) وزارت نفت هند اعلام کرده، میزان واردات نفت این کشور طی ماه آوریل ۲۰۱۱ بیش از ۹/۳۴ درصد رشد داشته است. هند در این مدت بیش از ۱۰/۹۹۱ میلیون تن نفت خام وارد کرده است. این رقم در مدت مشابه سال گذشته ۸/۱۵ میلیون تن بوده است. بر اساس این گزارش، میزان تقاضای بنزین در هند در این مدت نیز با ۱۱/۸ درصد به

بیش از ۸۲۱/۴ هزار تن رسیده است. میزان تولید بنزین در هند در این مدت با ۲۴/۷ درصد کاهش به ۱/۰۹۸ میلیون تن رسیده است. بر این اساس، میزان صادرات انواع فرآورده های نفتی هند در این مدت با ۸۹ درصد رشد به بیش از ۷۱۷/۲ میلیون تن رسیده است. (شریف زاده، ۱۳۸۶: ۱۲) اگر چه بیشتر شرکتهای بزرگ نفتی در هند، دولتی هستند، اما در سالهای اخیر تلاش شده است زمینه برای ایجاد شرکتهای خصوصی در این حوزه فراهم شود. در این زمینه هند تا آنجا پیش رفته است که بر اساس قوانین جدید، مالکیت صد در صد شرکتهای نفتی خارجی بر مبادین کشف شده را به رسمیت شناخته است. هم اکنون شرکت نفتی ریلانیس، بزرگترین شرکت نفتی وابسته به بخش خصوصی در این کشور است. به علاوه وابستگی اقتصاد هند به واردات حامل های انرژی به ویژه نفت خام و گاز طبیعی، موجب شده است این کشور در عرصه روابط خارجی خود با برخی کشورها دچار مشکلاتی شود. واردات گاز طبیعی از ایران که دومین دارنده منابع گاز در جهان می باشد و روزگاری نه چندان دور در همسایگی هند نشسته بود، امروزه به مشکلی در سیاستگذاری خارجی هند در بخش انرژی تبدیل شده است. فشارهای بین المللی علیه ایران سبب شده است که هند نتواند در این سالها طرح ساخت خط لوله انتقال گاز از ایران از مسیر پاکستان را اجرایی کند. هراس هند از تبدیل این خط لوله به برگی برنده در دست پاکستان نیز در به تاخیر افتادن اجرای این طرح بی تاثیر نبوده است. (بیدالله خانی و جوادی ارجمند، ۱۳۹۱: ۷۰-۶۹) این امر موجب شده است تاسیس خط لوله انتقال گاز از مسیر ترکمنستان- افغانستان- پاکستان- هند نیز قابل اجرا نباشد. به این ترتیب، آینده سرمایه گذاری های برون مرزی در زمینه انرژی و نیز چشم انداز بازارهای واردات انرژی از سوی این غول اقتصادی آسیایی، همچنان در هاله ای از ابهام قرار دارد.

هند در وضعیتی قدم به عرصه جهانی می گذارد که به عنوان اولین دموکراسی بزرگ با اقتصادی قدرتمند، فرهنگی چند گانه و از نظر مذهبی متکثر، در خارج از جغرافیای غرب واقع شده است. اگر هند بتواند رشد خود را تداوم بخشد، قادر خواهد بود به عنوان عضوی مهم در "غرب سیاسی" محسوب شود و نقشی کلیدی در تعاملات سیاسی در دهه های آینده ایفا کند. (Bajpai and Pant, 2013: 56-60)

گزارش سرمایه گذاری جهانی کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل (UNCTAD)^۱ هند را

^۱ -United Nations Conference on Trade and Development

پس از چین دومین کشور بزرگ جذب‌کننده سرمایه‌گذاری معرفی کرد و این کشور هنوز در همین جایگاه قرار دارد. دولت هند در سالهای اخیر دست به اصلاحات گسترده اقتصادی زده و با تسهیل شرایط سرمایه‌گذاری خارجی پای بسیاری از شرکتهای خارجی را به این کشور باز کرده است. (دهقانی و کاظمی، ۱۳۹۰: ۳۰) هند در راستای توسعه اقتصادی خود نیازمند جذب سرمایه‌های خارجی است و با تسهیل شرایط سرمایه‌گذاری در این کشور توانست میلیاردها دلار سرمایه وارد بخشهای مختلف صنعتی و اقتصادی نماید. در فاصله سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ میلادی مایوریتوس بزرگترین سرمایه‌گذار در کشور هند بود و ارزش سرمایه‌گذاری این کشور در هند معادل ۵۰۱۶۴ میلیون دلار آمریکا برآورده شده است. دومین سرمایه‌گذار بزرگ خارجی در هند کشور سنگاپور و سومین کشور آمریکا است. ارزش سرمایه‌گذاری سنگاپور در یک دهه اول قرن حاضر برابر با ۱۱۲۷۵ میلیون دلار و ارزش سرمایه‌گذاری آمریکا برابر با ۸۹۱۴ میلیون دلار اعلام شده است. انگلیس و هلند نیز چهارمین و پنجمین سرمایه‌گذار بزرگ در کشور هند بودند. گفته می‌شود این سرمایه‌های کلان زمینه‌ساز رشد اقتصادی این کشور شده است و هند در صورتی می‌تواند در سالهای آینده رشد کند که بتواند همین بستر را برای جذب سرمایه‌ها فراهم آورد. (Coan and Kugler, 2012: 30-32)

در ابتدای سال مالی ۲۰۱۱-۲۰۱۰ پیش‌بینی رشد ۷٫۵ درصدی برای اقتصاد هند انجام شد که بر اساس گزارشات بانک جهانی، پتانسیل افزایش آن تا مرز ۸ درصد در سال بعد اعلام گردید. آقای هانس تیمر مدیر گروه چشم‌انداز توسعه بانک جهانی اشاره کرده؛ طرح ریزی‌های فصل اود دوره مالی در هند در سالهای ۲۰۱۰-۲۰۰۹ مبتنی بر رشد صورت گرفته بود. وی همچنین معتقد است که هندوستان تحمل خوبی در برابر بحران سراسری اقتصاد داشته اما اصولاً بی‌کفایتی‌های کلانی در بازارهای مالی کشورهای در حال توسعه اتفاق افتاده که البته کمتر مرتبط با منابع طبیعی تولید می‌شدند. رقم رشد که طی نخستین فصل مالی گذشته، ۶٫۱ درصد بود به طور غیرمنتظره‌ای به ۷٫۹ درصد افزایش پیدا کرد، حال آنکه رشد متوسط اقتصادی طی دوره ۲۰۰۸-۲۰۰۹ حدود ۹٫۱ درصد اعلام شده بود. علی‌رغم خوش‌بینی هندوستان به افزایش صادرات، بانک جهانی عقیده دارد که جریان واردات همچنان تداوم دارد، به طوری که به زودی از صادرات سبقت می‌گیرد. بانک جهانی بر این باور تاکید میکند که هند از تشبیه هر چه بیشتر در تقاضای خارجی بهره خواهد برد و به ویژه با توجه به از سرگیری جریان رشد در کشورهای پردرآمد که تقریباً دو سوم بازار صادرات

کشور هند را شامل می شوند. (Tripathi, 2008: 370-74)

هند در تلاشهای خود برای جذب سرمایه خارجی به موفقیت های بزرگی دست یافته است. این کشور در سال ۲۰۰۲ از نظر درصد کلی سرمایه خارجی در جهان در مقام پانزدهم قرار داشت؛ اما در سال ۲۰۰۳ به سرعت به جایگاه ششم و در سال ۲۰۰۵ به مقام سوم جهان (پس از چین و ایالات متحده) رسید. در سال ۲۰۰۵، اتحادیه جهانی تشکیلات اقتصادی ده کشور را با بیشترین ظرفیت سرمایه گذاری در آن سال معرفی کرد که هند در فهرست پس از چین، فرانسه و آمریکا در رتبه چهارم قرار می گرفت. این ارزیابی بر اساس بررسی های جداگانه از ده نمایه شامل حجم کلی سرمایه گذار خارجی جذب شده در کشورها طی سه سال گذشته، سیاستهای سرمایه گذاری، فضای سرمایه گذاری، ظرفیت توسعه، چگونگی فعالیتهای اقتصادی، چگونگی فضای اقتصادی کلان، توانایی اجرایی دولت، اطمینان سرمایه گذاری برنامه ریزی در مورد درآمد حاصل از سرمایه گذاری و رقابت ملی و فراگیر و مقایسه همه این موارد با هم انجام گرفته است.

علاوه بر این در دیپلماسی اقتصادی هند، کمکهای خارجی نقش مهمی دارد. با توجه به کشورهای آسیای جنوبی و دیگر نقاط دنیا، بانک اعتباری توسعه واردات و صادرات هند با کمک وزارت خارجه، پروژه های بلند مدت مختلفی را برای کشورهای آفریقایی و آسیای جنوبی تعریف می کند که در راستای افزایش نفوذ هند و دیپلماسی کمکهای بین المللی می باشد. هند در طرحهای بزرگ این کشورها مشارکت می کند و شروع به خریداری سهام شرکتها و بازار این کشورهای فقیر می کند تا اقتصاد آن را بتواند به دست گیرد. علاوه بر این کمکهای غذایی و بشر دوستانه نیز بخشی از دیپلماسی کمک های بین المللی هند می باشند. (Ministry of External Affairs, Govt. of India, 2008)

هند در سال ۲۰۵۰ دارای جمعیتی خواهد بود که مشارکتی جدی در اقتصاد جهان خواهد داشت. سرمایه داران بزرگ ارتباطات جهانی برای وارد شدن به بازار هند با یکدیگر رقابت می کنند. در دسامبر ۲۰۰۵ بیل گیتس از طرح سرمایه گذاری ۱,۷ میلیارد دلاری هند پرده گشود. در پی آن ایتل تولید کننده معروف اجزای کامپیوتر اعلام کرد که به منظور تاسیس مرکز تحقیق و توسعه و شرکت بزرگی در هند، یک میلیارد دلار سرمایه گذاری خواهد کرد. بزرگترین تولید کنند تجهیزات شبکه ای جهان (Cisco System) نیز تصمیم خود را مبنی بر افزایش سرمایه گذاری تا سقف ۱,۱ میلیارد دلار در این کشور اعلام کرد.

اکنون پیش‌بینی‌های مان موهان سینگ مبنی بر دست یافتن به رشد دو رقمی به واقعیت نزدیک شده است، زیرا رشد اقتصادی این کشور در سال ۲۰۱۰، به ۹٫۵ درصد افزایش یافته که بالاترین رشد اقتصادی بعد از چین در جهان است. سود شرکت‌های سرمایه‌گذاری هندی در سال ۲۰۱۰ حدود ۲۵ درصد افزایش یافته است. پیدایش طبقه متوسط قوی در هند اقتصاد این کشور را در شرایط رو به بهبود نگه می‌دارد. این طبقه موتور رشد اقتصاد توقف‌ناپذیر هند است. اقتصاد هند طی یک دهه، از اقتصاد بریتانیای کبیر و طی بیست سال از اقتصاد ژاپن بزرگ‌تر خواهد شد.

دیپلماسی بین‌المللی و منطقه‌ای هند در پرتو ظهور قدرتمند ناسیونالیسم هندی در عرصه جهانی:

یکی دیگر از عواملی که بیانگر خیزش ناسیونالیستی هند است، دیپلماسی این کشور در عرصه بین‌الملل می‌باشد. هند خواهان مشارکت در تصمیمات بین‌المللی و پذیرفته شده در نقش بازیگر تاثیرگذار در منطقه و جهان از سوی قدرتهای بزرگ به ویژه آمریکا، اتحادیه اروپا و روسیه است؛ از جمله متغیرهای بین‌المللی که دیپلماسی هند در آنها خودش را نمایان می‌کند عبارتند از، عضویت در سازمانهای مهم منطقه‌ای و بین‌المللی نظیر سارک^۱، گروه بیست، گروه BRIC (برزیل، هند، روسیه و چین) گروه پانزده و سازمان ابتکاری خلیج بنگال برای همکاری‌های فنی و اقتصادی چند منطقه‌ای (BIMSTEC)^۲ و حضور در میان بازیگران مهم بین‌المللی. این کشور در سازمان‌های نیز عضو ناظر است. علاوه بر این گسترش روابط با کشورهای مهم منطقه‌ای همچون ژاپن، چین، مالزی و کشورهای فرامنطقه‌ای نظیر ایالات متحده آمریکا، رژیم صهیونیستی، روسیه و کشورهای حاشیه خلیج فارس را در دستور کار خود قرار داده است. البته هدف نهایی هند این است که با قرار گرفتن در گروه G4 (هند، برزیل، آلمان و ژاپن) به کرسی دائم در شورای امنیت سازمان ملل دست یابد.

^۱ _South Asian Association For Regional Corporation

^۲ - Bay of Bengal Initiative Multispectral Technical and Economic Corporation

هند از پایه گذاران مهم چند سازمان و اتحادیه بین المللی از جمله: سازمان ملل متحد، جنبش غیر متعهد (NAM)^۱ و بانک توسعه آسیایی^۲ است. در بسیاری از سازمانهای مهم و تاثیرگذار مثل: سازمان سران کشورهای شرق آسیا، سازمان تجارت جهانی، صندوق بین المللی پول، مجمع تبادل نظر هند، برزیل و آفریقای جنوبی^۳ و گروه G8+5 نقش برجسته و موثری دارد. تا به حال نیز در چندین ماموریت حافظ صلح سازمان ملل شرکت کرده است و از نظر تعداد سربازان در مقام دومین کشور از اعضای این سازمان قرار می گیرد. (دهقان و کاظمی، ۱۳۹۰: ۴۲-۴۱)

در سطح دیپلماسی نیز، هند با توجه به موقعیت جغرافیایی خود و همسایگانش، دیپلماسی منطقه ای را در سر لوحه کار خود قرار داده و بعد از آن نیز سعی بر گستراندن نفوذ اقتصادی و سیاسی خود در دیگر مناطق بکند. بیشتر همسایگان مرزی هند با این کشور قرابت فرهنگی و اقتصادی دارند و برخی نیز زمانی جزو قلمروی آن محسوب می شدند؛ نظیر پاکستان و بنگلادش. هند از نظر فرهنگ، مردم و کشاورزی به نوعی مادر این کشورهاست؛ از این رو روابط با آنها در الویت قرار داده شده است. بر همین اساس هند سازمانهای منطقه ای را به عنوان مبنایی برای نفوذ اقتصادی و سیاسی در کشورهای همسایه اش در نظر گرفته است، هر چند باید این نکته را نیز ذکر کرد که اصولاً وجود سازمانهای منطقه ای در جنوب آسیا علاوه بر کارکرد اقتصادی، مجرای برای کارکردهای سیاسی و امنیتی هند در برابر پاکستان رقیب دیرینه اش نیز می باشد. علاوه بر اقتصاد یکی دیگر از محورهای تاثیر گذار بر سیاستگذاری خارجی هند، تنش تاریخی هند و پاکستان می باشد. با این وجود هند در چند سال اخیر توانسته است، بر اساس افزایش قدرت منطقه ای و جایگاه جهانی خود، حوزه های تحت نفوذ خود را افزایش دهد. در زیر برای نمونه به مهمترین ابعاد دیپلماسی اقتصادی - سیاسی هند در آفریقا و همچنین دو سازمان مهم بین المللی یعنی سارک و اتحادیه کشورهای اقیانوسیه می پردازیم.

سازمان همکاری های جنوب آسیا (سارک)

^۱ -NON-Aligned Monment

^۲ -Asean Development Bank

^۳ -IBSA Dialogue Forum

یکی از سازمانهایی که تقریباً اکثر کشورهای جنوب آسیا عضو آن هستند، مجمع جنوب آسیا برای همکاری منطقه‌ای یا همان «سارک» است. این سازمان مهمترین تشکلی است که هند می‌تواند بر کشورهای پیرامون خود یا حلقه اول همسایگانش اعمال نفوذ کند. هند با فاصله محسوسی از لحاظ سیاسی، اقتصادی و نظامی از تمام شورای این جمع بالاتر است و به جز پاکستان رقیب دیگری در این سازمان ندارد. از آنجا که قدرت هند در سالهای اخیر به شدت افزایش یافته و در منطقه تثبیت شده است، بدون حضورش این سازمان اعتبار خاصی ندارد. با توجه به اینکه در دنیای امروز اقتصاد مهمترین مقوله در مناسبات بین‌المللی است و از این نظر هند برتری قابل ملاحظه‌ای از دیگر اعضای سازمان دارد؛ توانسته است عملاً این سازمان را تحت شعاع قرار دهد و با همین ویژگی، دیپلماسی منطقه‌ای و اهداف خود را پیش ببرد. گفتنی است هند در گروه سارک تقریباً همه کاره به حساب می‌آید؛ چون حدود ۷۲ درصد مساحت، ۷۷ درصد جمعیت، ۸۴ درصد اراضی قابل کشت و نود درصد منابع طبیعی حوزه کشورهای سارک را در اختیار دارد و ۳۲ درصد مخارج دبیرخانه آن را می‌پردازد. این کشور نه تنها بزرگترین و با نفوذترین عضو سارک، بلکه مادر همگی آنهاست. هفت کشور پایه گذار این سازمان عبارتند از: بنگلادش، بوتان، هند، مالدیو، نپال، پاکستان و سریلانکا؛ ضمن آنکه افغانستان نیز در ۲۰۰۷ به عضویت رسمی این گروه درآمد. اجلاس سران هر دو ساب یک بار و وزرای خارجه سالی دوبار برگزار می‌شود. دفتر مرکزی این سازمان در کاتماندو، پایتخت نپال قرار دارد. (Ram, 2009: 442-444)

سازمان همکاری‌های منطقه‌ای جنوب آسیا از الگوی اتحادیه اروپایی و سازمان منطقه‌ای آ.سه. آن الهام گرفته است و سعی دارد راهکارهایی را همچون این اتحادیه‌ها جهت توسعه اقتصادی و سیاسی کشورهای عضو که اغلب هم در یک ناحیه قرار دارند، در پیش گیرد. اصولاً بعد از فروپاشی شوروی و اضمحلال اردوگاه شرق، بسیاری از کشورها به سمت سازمانها و ترتیبات منطقه‌ای گام برداشتند.

هند سعی دارد با عضویت در سازمانهای منطقه‌ای قدرت سیاسی و دیپلماسی خود را افزایش دهد و شان و موقعیتش را نزد کشورها و ملت‌های منطقه تحکیم بخشد؛ ضمن آنکه در دنیای پس از جنگ سرد، منطقه‌گرایی با اقبال دولتها مواجه شده است و راه حل بسیاری از مشکلات و درگیری‌های منطقه‌ای در چهارچوب چنین سازمانهایی دیده می‌شود. تاریخچه رفتار هند در دو دهه گذشته در سارک حاکی از تک‌روی‌های آن و نقش فائقی است که این کشور در این مجموعه برای خود قائل

است. از آنجا که سیاستهای منطقه ای هند چهارچوب اصولی و ثابتی دارند و در راستای کسب قدرت و پرستیژ سیاسی و اقتصادی کشور تعریف شده اند، با چرخش قدرت دستخوش تغییر نمی شوند و مقامات رسمی و دولتی همواره بر تقویت چنین نهادهای و سازمانهایی از جمله سارک تاکید دارند. افزایش نقش هند در سارک در دوره حکومت حزب کنگره محتمل است، به ویژه آنکه مان موهان سینگ، نخست وزیر جدید هند، خود اقتصاددان برجسته ای است که به درستی می داند در شرایط نوین جهانی، اگر کشورش بخواهد حرفی برای گفتن داشته باشد، لازم است ابتدا به نقش مثبت خود در منطقه و محیط پیرامونی اش توجه کند، آنگاه می تواند در مناطق دیگر و سطح بین الملل ایفای نقش کند. لذا می توان تصور کرد که هند در دوره جدید قدرت حزب کنگره اولوئیتهای سیاسی و جهت گیری هایش را در محیط پیرامونی در حوزه سارک جدی تر از گذشته در نظر بگیرد و تلاش کند سارک به عنوان حوزه ای اقتصادی در موقعیتی قرار گیرد که برای هفت کشور عضو اعتبار دهنده باشد. (Behuria and others, 2012: 234-235) جدول زیر صادرات و واردات هند به کشورهای حوزه سارک را نشان می دهد. ارقام بر حسب میلیارد دلار می باشد. منظور از اشتراک کشورهای سارک، سهم کلی تجارت این کشورها با هند می باشد.

تجارت واردات و صادرات هند از کشورهای سارک (نرخ ها بر اساس میلیارد دلار می

باشد)

	2006-07	2007-08	2008-09	2009-10	2009-10 (April-Sept.)	2010-11 (April- Sept.)
EXPORTS						
India's total	126.41	163.13	185.30	178.75	80.95	105.35
% share of SAARC countries	5.12	5.91	4.62	4.69	4.58	4.55
IMPORTS						
India's total	185.74	251.65	303.70	288.37	128.13	161.45
% share of SAARC countries	0.81	0.84	0.60	0.57	0.58	0.56

Source: DGCI&S

همچنین جدول زیر درصد صادرات و واردات دو جانبه هند با کشورهای حوزه سارک را نشان می‌دهد.

جدول ۱-۲، تجارت دوجانبه کشورهای سارک با هندوستان

	2000	2001	2002	2003	2004	2005	2006
India's share in total intra-SAARC trade(%)							
Bangladesh	86.6	90.3	91.5	90.2	90.2	89.8	89.5
Maldives	34.7	38.4	35.9	37.0	43.6	57.9	57.9
Nepal	98.4	98.4	98.3	98.9	98.5	99.3	99.5
Pakistan	44.2	54.9	46.4	47.3	58.7	63.3	64.5
Srilanka	73.4	77.4	84.3	86.6	88.0	91.2	91.2
India's share in total world trade(%)							
Bangladesh	7.6	9.5	9.5	10.5	9.4	10.3	9.9
Maldives	7.7	9.0	8.7	8.2	8.7	10.0	9.9
Nepal	37.1	43.6	47.2	51.8	56.5	65.8	71.5
Pakistan	1.2	1.6	1.0	1.2	2.2	2.2	2.4
Srilanka	5.6	6.2	9.3	11.2	13.3	15.8	17.3

Source: IMF 2007

همانطور که ملاحظه می‌شود هند از دیپلماسی اقتصادی و سیاسی در سازمانهای منطقه ای و بین‌المللی برای پیشبرد قدرت منطقه ای و بین‌المللی خود سود می‌جوید و در این راه به بخشهای دیپلماتیک و سیاسی ایالاتهای مختلف را به سمت اقتصادی شدن پیش برده است و راهکاری مختلفی برای این دیپلماسی در نظر گرفته است.

هند در قاره سیاه: دیپلماسی اقتصادی هند در آفریقا

یکی از نقاطی که هند از دهه ها پیش نفوذ اقتصادی، فرهنگی و سیاسی خود را آغاز کرده است، قاره آفریقا و کشورهای این منطقه می‌باشند. با آغاز دوره جدید که نماد آن را فروپاشی شوروی دانسته اند، الزامات اقتصادی حاکم بر سیاست خارجی هند باعث شد تا این کشور رویکرد نوینی را در آفریقا در پیش گیرد. در این نگاه جدید آفریقا عرصه فترت و درماندگی نیست و در نتیجه تنها ضرورت کمک به آن مطرح نمی‌باشد بلکه حوزه ای دریافته می‌شود که شرایط استراتژیک حاکم بر

آن باعث شده است تا هندوستان اقتصاد را به عنوان ابزاری دو جانبه بر روابط خویش با قاره سیا حاکم کند. اقتصاد و بهره گیری از توان آفریقا از یک سو می تواند نیازهای رو به رشد صنایع نوپای هند را برآورده سازد و از جانب دیگر الزامات امنیتی هند را تامین نماید. قاره آفریقا به چند جهت عمده در سیاست خارجی هند واجد اهمیت نگاه منطقه ای است. یکی الویت اقتصادی این قاره است. وجود فلزات و سنگ های قیمتی، آلیاژهای آهن، مس، قلع و فسفات در کنار منابع الماس و پلاتینیوم، کروم، کبالت، طلا و... شرایطی را بوجود آورد که هند را به سمت آفریقا جذب کند. علاوه بر این جایگاه نهادی آفریقا به دلیل کسب حمایت این قاره برای کسب کرسی های جهانی در شورای امنیت و سازمان ملل ضروری است. از لحاظ ژئوپلیتیک نیز بخشهای زیادی از قاره آفریقا، جزء حوزه استراتژیک دریایی هند محسوب می شود. بنابراین حفظ اقیانوس هند به عنوان منطقه صلح که یکی از اهداف هندوستان به شمار می رود با همکاری آفریقا میسر می شود. بنابراین سیاست خارجی هند در دوران بعد از جنگ سرد با تکیه بر سوابق مثبت خویش در دوران پیش از آن، با شناخت یک وضعیت دو سویه تنظیم شده است. در یک سو آفریقایی قرار دارد که بعد از جنگ سرد با کنار رفتن پرده استعمار از این قاره روندهای رو به رشد آن با تاسیس نهادهای مختلف آغاز شده است به ویژه آنکه با کوتاه شدن دست قدرتهای بزرگ (در مقایسه با دوران استعمار) و احیای پان آفریقانیسم این منطقه به عنوان یکی از منابع مهم انرژی و مواد معدنی شناخته می شود. از سوی دیگر همزمان با تشدید فرآیند آزادسازی اقتصادی از دهه ۱۹۹۰ هند نیز به سرعت به قدرت اقتصادی متحول و در حال رشد تبدیل شده است که نیاز مبرمی به بازارهای جدید، مواد خام و انرژی احساس می کند. این امر در کنار موفقیت هند در تربیت متخصصانی در حوزه کشاورزی و فنی می تواند نیاز رو به افزایش کشورهای در حال توسعه را تامین کند. (Desai, 2009: 414) بنابراین می توان از رویکرد جدید هند در آفریقا با الویت اقتصادی به عنوان یک الزام ژئواکونومیک نام برد که در عصر نوین می تواند مقتضیات امنیتی و نهادی هند در عرصه بین المللی را نیز پوشش دهد. با اولویت یافتن مقوله اقتصاد در رویکرد سیاست خارجی هند که بی تردید جدای از نیازها و روندهای در حال تحول عرصه درونی این کشور و نیز مناسبات منطقه ای و بین المللی نیست، شاهد آنیم که مشارکت و تعامل اقتصادی به وجه مشخصه روابط هند و آفریقا تبدیل شده است. با وجود آنکه مسیر این روابط و تعامل اقتصادی با سرمایه گذاری و توجه اولیه هند به آفریقا همراه بوده است، نمی توان از ظرفیتهای بالقوه آفریقا در تامین خواست و نیاز هندوستان غافل شد. از این رو تعامل ژئواکونومیک را می توان

در سه بخش مشاهده نمود. (ارغوانی، ۱۳۸۹: ۱۶۳)

۱- برنامه کانون آفریقا: برنامه کانون آفریقا به عنوان بخشی از راهبردهای کلان توسعه ای هند در آفریقا در فاصله سالهای ۲۰۰۲-۲۰۰۳ آغاز شد. هدف اصلی این برنامه تشویق گروهها و بخشهای خصوصی و دولتی برای تجارت با آفریقا از طریق شناسایی مناطقی است که واجد فرصت تجارت و سرمایه گذاری دو جانبه باشد. با وجود اینکه این برنامه در آغاز محدودی به ۷ کشور آفریقایی (نیجریه، آفریقای جنوبی، موریتانی، کنیا، اتیوپی، تانزانیا و غنا) جنوب صحرا که از آنها به عنوان شرکای عمده تجاری هند نام برده می شد، بود با افزایش الویتها و توجهات هند به این قاره و نیز شناخته شدن ظرفیتهای تجاری سایر کشورها دامنه این برنامه تقریباً به تمامی قاره سیاه گسترش یافت. (Alves, 2007: 92)

۲- برنامه گروه ۹: با وجود آنکه آفریقای جنوب صحرا جایگاه ویژه در بخش تجارت هند با آفریقا داشته است اما غرب آفریقا در این میان نتوانسته بود، موقعیت مناسبی را در جلب رویکرد اقتصادی هند به دست آورد. از این رو هندوستان تلاش نمود تا با ابتکار تشکیل گروه ۹ این وضعیت را جبران و سازو کارهای نهادی و حمایتی مناسب را فراهم آورد. این گروه که در کنار هند شامل هشت کشور آفریقایی غربی دیگر (بورکینا فاسو، چاد، ساحل عاج، گینه استوایی، غنا، گینه بیسائو، مالی و سنگال) می باشد با پیوستن نیجریه به آن با شاخصه هایی چون فعال کردن سازو کارهای همکاری در سطوح دولتی، نهادی و بخش خصوصی در راستای مشارکت متقابل در بخشهای منابع اطلاعات مادی و فرصتهای اقتصادی جهت ارتقای رفاه و رشد جوامع شناخته می شد. مهمترین برنامه های این گروه عبارت بودند از: ۱- ایجاد زیرساختها و شرایط مناسب آموزشی در بخشهای مهم، ۲- انتقال فناوری کلیدی، ۳- انجام پروژه های مشترک منطقه ای جهت اشتغال و رشد بخش کشاورزی، صنایع کوچک، صنایع دارویی و بهداشتی، تکنولوژی اطلاعات، انرژی و حمل و نقل. با آغاز به کار عملی این پروژه از سال ۲۰۰۴ تاکنون بیش از ۵۰۰ میلیون دلار اعتبار توسط دولت هند در راستای اهداف این برنامه سرمایه گذاری شده است.

۳- ابتکارات بخش خصوصی: در کنار تلاشهای بی وقفه بخش دولتی در جهت تسهیل روند تجاری و مبادلاتی هند و آفریقا بخش خصوصی نیز در این میان به ایفای نقش سازنده در دیپلماسی اقتصادی هند پرداخته است. از نیمه دهه ۱۹۹۰ سازمانهای صنعتی و تجاری عمده

هند برنامه های مختلفی را برای همکاری تجاری و اقتصادی با آفریقا مورد توجه قرار داده اند. مبادله اطلاعات، برگزاری اجلاسهای دو جانبه تجاری، سازماندهی به فعالیتهایی نظیر برگزاری نمایشگاه کالاهای هندی در آفریقا و انعقاد موافقت نامه های تجاری با بسیاری از کشورهای آفریقایی از مهمترین ابتکارات بخش خصوصی هند در آفریقا بوده است. در بخش مبادلات تجاری مجموع معاملات در فاصله سالهای ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸ با ۵ برابر افزایش از ۷,۱ میلیارد دلار به ۳۴,۴ میلیارد دلار رسیده است. در همین راستا، طی مدت مشابه صادرات هند به آفریقا از ۳,۹ میلیارد دلار به ۱۳,۹ میلیارد دلار ارتقاء یافت که در این میام سهم آفریقا از ۶ درصد صادرات هند به ۸,۷ درصد افزایش یافت. این در حالی بود که واردات هند از آفریقا از ۳۲۰۰ میلیون دلار در همین زمان به ۲۲۵۰۰ میلیون دلار افزایش یافت که نشانگر افزایش واردات هند از آفریقا از ۴,۱ به ۸,۶ درصد بوده است. جدول ۱-۳ نشاندهنده تجارت هند با آفریقا را نشان می دهد. (ارغوانی، ۱۳۸۹: ۱۶۶)

بر این اساس دیپلماسی اقتصادی هند در آفریقا بر این مبنا پایه گذاری شده است که تا سال ۲۰۱۵، حجم مبادلات بازرگانی و تجاری چین و آفریقا به ۱۰۰ میلیارد دلار برسد. هند بعد از چین و آمریکا سومین شریک تجاری آفریقا می باشد و میخواهد در سالهای آینده با پشت سر گذاشتن آمریکا به جایگاه دوم دست یابد. با وجود افزایش حجم تجارت میان دو ناحیه از سال ۲۰۰۴ به بعد، نفت خام به تنهایی توانسته است ۶۸,۸ درصد از مجموع صادرات آفریقا به هند را تشکیل دهد. طلا، مواد شیمیایی، زغال سنگ، کک و کائوچو از دیگر کالاهای پر فروش آفریقا به هند بوده است. در برابر این ارقام هند بعد از فروش مشتقات نفتی که ۲۶ درصد مجموع صادرات آنرا به آفریقا شکل می دهد، کالاهای دیگری نظیر تجهیزات ترابری، مواد دارویی، ماشینها و ابزار آلات، تولیدات فلزی و برنج را به آفریقا صادر نموده است. (Narlikar, 2010: 457)

سرمایه گذاری مستقیم خارجی در آفریقا: علاوه بر فعالیتهای عمده بخش مبادلات، سرمایه گذاری محور دیگری از روابط متقابل تجاری هند و آفریقا بوده است که عمدتاً در بخش خدمات غیر مالی نظیر تکنولوژی اطلاعات و منابع انرژی و معدنی صورت گرفته است و حجم آن در فاصله زمانی ۱۹۹۶-۲۰۰۴ به ۱۹۷۰ میلیون دلار می رسد. از این میان موریسانی و سودان با داشتن سهم ۱۸ درصدی بزرگترین میزبانان سرمایه گذاری هند بوده اند. بخش صنایع استخراجی تا سال ۲۰۰۴ و صنایع نوین مخابرات، ماهیگری، تورسیم، نیروگاههای جدید، حمل و نقل و پزشکی بعد از آن

پرحجم‌ترین سرمایه‌گذاری هند در آفریقا بوده است. علاوه بر این هند در بخش تربیت نیروی انسانی و صدور تکنولوژی به هند فعال است. در حال حاضر ۱۵۰۰۰ دانشجویان از کشورهای آفریقایی در هند مشغول به تحصیل هستند که در میان دانشگاه‌های هند برخی نظیر دانشگاه ملی هند و دانشگاه ایندیپنیا گاندی با همکاری یونسکو به فعالیت در حوزه مسائل آفریقا مشغول هستند. (Gharekhani, 2009: 407) در بخش انرژی نیز هند ۲۴ درصد واردات نفت خام خود را از این منطقه به خصوص نیجریه انجام داده است. ظهور بالقوه هند در آفریقا، نشان‌دهنده رویکرد متفاوت سیاست خارجی هند می‌باشد. بر خلاف چین که دیپلماسی آن در آمریکا فقط منوط به پول برای پول است و همچنین آمریکا که ترویج دهنده دموکراسی و حقوق بشر است، سیاست چین در آفریقا بعدی فرهنگی - اقتصادی یافته است و علاوه بر مسائل اقتصادی، مسائل فرهنگی و دموکراتیک را نیز تا حدودی شامل شده است و میانه راه چین و آمریکا را هند در آفریقا دنبال کرده است. (Narlikar, 2010: 461)

نتیجه‌گیری:

همانطور که در این فصل مشاهده شد، ضمن توضیح و تبیین سیاست خارجی هند و پایه‌های اقتصادی آن، به بررسی کوتاه اقتصاد هند پرداخته شد و سپس به عنوان نمونه دیپلماسی اقتصادی و متعاقب آن سیاسی هند را در چند سازمان مهم منطقه‌ای و یکی از قاره‌های جهان که نفوذ هند در آن گسترش یافته، را توضیح دادیم. هند نیز به عنوان رقیب چین در عرصه بین‌الملل مبانی اقتصادی را جایگزین سیاست گذاری امنیتی محض در محیط بین‌الملل کرده است تا بدین سان دوباره بعد از تحقیرهای متناوب تاریخی ظهور دوباره‌ای در دنیا داشته باشد. هند به عنوان دومین کشور پر جمعیت دنیا، اکنون به عنوان دومین اقتصاد نوظهور (پس از چین) شناخته می‌شود. صندوق بین‌المللی پول، تولید ناخالص ملی هند را در حدود 3.1 تریلیون دلار اعلام کرده است. این آمار هند را در رده بزرگترین اقتصادهای حال حاضر جهان قرار می‌دهد. امروزه هند با برخورداری از ۶۷ میلیون نفر نیروی کار، در بین کشورهای جهان در رده دوم قرار گرفته است. بر طبق آمار ارائه شده از سوی دانشگاه‌های بازرگانی هند، هر ساله حدود ۸۹ هزار نفر با درجه فوق لیسانس از این موسسات خصوصی فارغ التحصیل می‌شوند. در نتیجه این سیاستها هند به عنوان یک کشور در حال توسعه، موفق شد گام‌هایی اساسی در رفع مشکل بیکاری نیروی متخصصش بردارد و از جهانی شدن تولید و

خدمات در عصر جدید به عنوان فرصتی برای پیشرفت اقتصادی کشورش استفاده کند. پیشرفت اقتصادی هند در عصر جهانی شدن، بدون طرح ریزی مدون برای حرکت صحیح در حوزه سیاستهای داخلی و خارجی غیر ممکن بود. در این بین عرصه سیاست خارجی هند بیشتر از همه حوزه های دیگر در پیشرفت اقتصادی سالهای اخیر این کشور نقش داشته است. حرکت اقتصاد محور سیاست خارجی و خیزش دیپلماسی اقتصادی هند به سمت ایجاد منطقه نفوذ و روابط اقتصادی با دیگر نقاط دنیا و طرح سیاست خارجی اقتصاد محور بر اساس نیازهای داخلی و پیگیری اهداف سیاسی و استراتژیک از اقدامات به جای دولتمردان هندی در سالهای اخیر بوده است. این امر باعث افزایش قدرت هند در نظام بین الملل شده است. هند در سالهای اخیر برای تامین نیازهای امنیت غذایی و انرژی مردمش تلاشهای فراوانی کرده است و توانسته است امنیت غذایی را برای دومین کشور پر جمعیت جهان فراهم کند. علاوه بر این هند در سالهای اخیر با استفاده از اهرم سازمانهای بین المللی، توانسته است دیپلماسی اقتصادی خود را در مناطق مختلف جهان به پیش ببرد و با گستراندن نفوذ خود در کشورهای جهان سوم به خصوص در قاره آفریقا و آسیا، به رشد اقتصادی بی نظیری دست یابد. این اقدامات که بنیاد اساسی آن سیاست خارجی اقتصاد محور هند بوده است، توانسته است، نام هند را به عنوان یکی از کشورهای مطرح نظام بین الملل مطرح کند و منجر به مطرح شدن ناسیونالیسم هندی بشود، به طوری که در آینده هند می تواند ضمن ایجاد کرسی در سازمانهای مهم بین المللی، نفوذ فکری، سیاسی و فرهنگی خود را نیز گسترش دهد و در برابر رقبای منطقه ای خود به خصوص چین و پاکستان بتواند به عظمت سابق خود دست پیدا کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ:

آواستی، اس. اس (۱۳۸۶) ساختار سیاسی هند، ترجمه محمد آهنی امینه، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

اعزازی، مجید (۱۳۸۹) هند بهترین بازار آسیا، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۲۱۰۰، ۸۹/۳/۲۰

ارغوانی، فریبرز (۱۳۸۹) رویکرد نوین سیاست خارجی هند در آفریقا: الزام ژئواکونومیک در عصر وابستگی متقابل، فصلنامه مطالعات آفریقا، بهار و تابستان.

بیدالله خانی، آرش، جوادی ارجمند، محمد جعفر (۱۳۹۱) تحلیل ژئواستراتژیکی روابط ایران و پاکستان با تاکید بر عامل امنیتی، فصلنامه مطالعات شبه قاره، سال چهارم، شماره دوازدهم، پاییز. صص: ۷۶-۵۱.

توحیدی، ام البنین (۱۳۸۶) رویکرد نوین سیاست خارجی هند، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، دسترسی در سایت پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، لینک دسترسی:

<http://www.isrjournals.ir/fa/asia-eurasia-farsi/1073-special-article-farsi44.html>

چشم انداز اقتصاد جهان و دلالت‌های آن برای هند (۱۳۹۲) دسترسی در سایت شبکه ایران، لینک دسترسی:

<http://inn.ir/NSite/FullStory/News/?Serv=0&Id=152598&Rate=0>

ثقفی، ناصر و احدی افسانه (۱۳۸۷) ایران و سیاست نگاه به شرق، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک. دهقان، یدالله، کاظمی، مهدی (۱۳۹۰) بررسی روابط ایران و هند در سایه ظهور هند به عنوان یک قدرت منطقه‌ای، تهران: موسسه فرهنگی ابرار معاصر.

شریف زاده، علی (۱۳۸۶) ژاپن را فراموش کنید که هندی‌ها می‌آیند، روزنامه سرمایه، شماره ۱۲، ۱۳۸۶/۳/۴۷۱.

فرزین نیازی (۱۳۸۸) مثلث آسیایی: چین، هند و پاکستان، تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات

کاوندی کاتب، ابوالفضل، (۱۳۸۸) سومین اتحادیه اقیانوسی جهان، همشهری دیپلماتیک، دوره جدید (۳۴) فرودین،

کولایی، الهه، تیشه یار، ماندانا (۱۳۹۱) تحول سیاست خارجی و توسعه اقتصادی در هندوستان،

فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، شماره ۱۳، بهار

کولایی، الهه، تیشه یار، ماندانا (۱۳۹۱) جلوه هایی از توسعه در هند: نگاه ایرانی، تهران: میزان.

- Ahluwalia, Isher and I.M.D Little (2012) **Indi's Economic Reforms and Development: Essays for Manmohan Singh**, Second Edition, Oxford University Press.
- Agrawal, Tushar (2013) **Skill Development in India: an Examination**, Journal of Education and Work, Vol2, Issue12. Pp:1-22.
- Alves, Philip (2007) **India and South Africa: Shifting Priorities**, Volume 14, Issue2, Winter/ Spring, pp:87-109.
- Bajpai, Kanti.p and Harsh V. pant (2013) **India's foreign policy: A Reader** (Critical Issues in Indian Politics) Oxford University Press
- Behuria, Ashok, pattanaik, Smruti and Arvind Gupta (2012) **Does India have a Neighbourhood Policy?** Strategic Studies, Volume 36, Issue 2, pp:229-246.
- Berlin, Don(2011) **The Rise of India and the Indian Ocean**, Journal of the Indian Ocean Region, Volume 7, Issue 1,(Special Issue: Geopolitical Orientations of Indian Ocean States,pp:1-31
- Coan, Travis. G and Tadeusz Kugler(2012) **All Foreign Direct Investment is Local: Indian Provincial Politics and The Attraction of FDI**, South Asia Economic Journal, Vol.2013,1,pp:27-50
- Das, Gurcharan(2002) **India Unbound: The Social and Economic Revolution From Independence to the Global Information Age**, India: Anchor
- Desai, Niranjana(2009) **India and Africa: A New Engagement**, India Quarterly, vol. 65, 4: pp. 413-429.
- Dreze, Jean and Amartya Sen (1999) **India: Economic Development and Social Opportunity**, Oxford University Press.
- Ganguly, Sumit (2012)**India's Foreign Policy: Retrospect and Prospect**, Oxford University Press
- Gharekhan, R.C (2009) **India and West Africa**, India Quarterly, 65,4, PP:405-412
- Hate, Vibhuti(2006) **Indi's Energy Dilemma**, Center for Strategic and International Studies(CSIS) September.
- Ministry of External Affairs, (2008) **India's Economic Diplomacy**, Govt. of India
- Kondapalli, Srikanth (2010) **India's Interactions With East Asia:**

- Opportunities and Challenges**, International Studies, Vol.47,(2-4)Pp: 305-321.
- Kumar,Radha(2008) **India as a foreign policy actor**_ Normative Redha, CEPS Working Document. No.285. At the: Center for European Policy Studies, available at:<http://ssrn.com/abstract=1337621>
- Kumaraswamy, P.R (2008) **Realism Replacing Rhetoric: Factors Shaping India's Middle East Policy**, The Round Table, Special Issue: The Commonwealth and The Middle east, Volume 97, Issue397,pp:575-587.
- Narlikar,Amrita(2010) **India's rise to power: where does East Africa fit in?** Review of African Political Economy, Vol. 37, No. 126, December 2010, 451 –464.
- SinghMaini, Tridivesh(July 18th, 2013) **A new power play: economic diplomacy and state autonomy in India**, linked available at: <http://www.eastasiaforum.org/2013/07/18/a-new-power-play-economic-diplomacy-and-state-autonomy-in-india/>
- Ram, Amar Nath(2009) **SAARC in a Globalised Era- Imperatives and Opportunities**, India Quarterly: A Journal of International Affairs, Vol.65,4, pp: 441-451.
- Talbort, Strobe (2006) **Engaging India: Diplomacy, Democracy, and the Bomb**, Brookings Institution Press.
- Tripathi, Rahul(2008) **India's Economic Diplomacy at the World Trade Organization**, International Studies, Vol. 45,4 pp: 369-380